

رَبْعَةُ قِراختایِی

رَبْعَةُ قِراختایِی^۲ نسخه‌ای سی‌جلدی از قرآن کریم است که بی‌بی ترکان از شاه‌زادگان سلسله قراختاییان کرمان (۶۱۹-۷۰۵ ق) وقف مقبره پدرش قطب‌الدین ابی‌الفتح و مادرش عصمت‌الدین قتلغ ترکان کرده است، که هر دو از پادشاهان سلسله قراختایی کرمان بوده‌اند. تاریخ وقف قرآن سال ۶۸۷ ق است؛ اما نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست. سی‌جلد کامل این نسخه را در سال ۱۲۴۵ ق میرزا علی‌رضا تفرشی^۳ مرمت کرد. نسخه در آن زمان متعلق به آستانه شاه نعمت‌الله ولی بوده است. خبر دیگری که از این نسخه داریم، مربوط به سال ۱۳۲۰ ش است. در این سال، هجده جلد از مجلدات قرآن در آستانه باقی بوده و سرنوشت باقی مجلدات، به جز یک جلد که ظاهراً به رضاشاه هدیه شده، همچنان مبهم است. هم‌اکنون هجده جلد باقی‌مانده متعلق به آستانه شاه نعمت‌الله ولی است و در موزه آستانه در ماهان کرمان نگهداری می‌شود. در ادامه، ضمن آشنایی مختصر با سلسله قراختاییان، به معرفی کامل نسخه از جهات تاریخی و هنری می‌پردازیم.

۱. قراختاییان کرمان

سلسله قراختاییان کرمان اندکی کمتر از یک قرن بر کرمان حکومت کردند. اولین پادشاه از این سلسله سلطان نصرت‌الدین ابوالفوارس قتلغ سلطان براق حاجب است که در زمان سلطان محمد خوارزم‌شاه از سرلشکران سپاه گورخان قراختایی بود.

خوارزم‌شاهیان از زمان تکش به گورخان قراختایی در ماوراءالنهر باج و خراج می‌پرداختند. ظلم گورخان و رفتار فرستادگان او سلطان محمد خوارزم‌شاه را به فکر لشکرکشی به ماوراءالنهر انداخت. شاید در پی همان فکر، فرستاده گورخان را گردن زد (۶۰۶ ق) و در دو جنگ در سال (۶۰۷ ق) — که نتیجه آن اسارت تاینگو از سران قراختایی بود — و در سال (۶۱۱ ق)، قراختاییان ماوراءالنهر را از بین برد.^۴ در پی همین حوادث، براق حاجب، از بزرگان قراختایی، به دربار سلطان غیاث‌الدین خوارزم‌شاه راه یافت. او از طرف سلطان برای یاری به جلال‌الدین خوارزم‌شاه، که در آن زمان در هند بود، مأمور هند شد؛ اما در سر راه خود پس از درگیری‌ای با حاکم کرمان، که ظاهراً راه را به قصد تاراج بر او بسته بود

رَبْعَةُ قِراختایِی نسخه‌ای از قرآن مجید است که در سال ۶۸۷ ق، بی‌بی ترکان، از شاه‌زادگان سلسله قراختاییان کرمان، بر مرقد والدیش وقف کرده است. این قرآن در سی‌جلد به ابعاد $۳۲/۵ \times ۳۹$ سانتی‌متر و به خط محقق جلی کتابت شده است. سر سوره‌ها مذهب است و علائم قرآنی بسیار زیباست. خط آن، با توجه به هم‌زمانی با یاقوت مستعصمی و دوره اوج قرآن‌نویسی به خط محقق و تکامل این نوع خط بسیار مهم است؛ و شیوه خط از نظر شکل نقطه‌ها و شاکله حروف شباهت به شیوه ابن بواب دارد.

نسخه به دلیل آسیب‌هایی که در طول زمان به آن وارده شده، در سال ۱۲۴۵ ق به همت میرزا علی‌رضا تفرشی مرمت شده است. در این مرمت، صحافی تجدید و بسیاری از نواقص متن با خطی بسیار ضعیف‌تر از خط نسخه اصلی تکمیل شده است. صفحه‌های الحاقی فاقد تزیینات است.

هجده جلد از مجلدات این مصحف هم‌اکنون در گنجینه موزه آستانه شاه نعمت‌الله ولی ماهان موجود است، و برخی دیگر از مجلدات آن در کتابخانه‌ها و مجموعه‌های شخصی ردگیری شده و تعدادی هنوز مفقود است.

ت۱. قبة سبز واقع در محله خواجه خضر کرمان.



شکست داد و در کرمان ماند و سلسله قراختایان (۶۱۹ ق) را بنیاد گذاشت.

براق حاجب راه مماشات با خوارزمشاهیان و مغولان را، که در این زمان در پی خبط سلطان خوارزمشاهی به ایران هجوم آورده بودند، در پیش گرفت (۶۲۵ تا ۶۳۲ ق)، تا جایی که از اگتای قآن، فرمانده لشکر مغول، به پاس قتل سلطان غیاث الدین خوارزمشاه لقب «قتلغ خان» گرفت و سلطنت خود را در دوران پراشوب اوایل قرن هفتم در کرمان تثبیت کرد. ترکان خاتون معروف، همسر براق حاجب، از کنیزان سلطان غیاث الدین بود. براق حاجب در سال ۶۳۲ ق درگذشت و بعد از او «السلطان قطب الدنیا والدین ابوالفتح محمد بن خمیتور تاینگو برهان امیرالمؤمنین»^۵ برادرزاده براق حاجب، به حکومت کرمان رسید. «براق حاجب قطب الدین را، به حکم آنکه او را جوانی مستعد مردانه و هنرمندی مقبل فرزانه می دانست و نیز ریب و دامادش بود، به وقت وفات ولی عهد گردانیده، ودیعت ملک به او سپرد و در ذی الحجة سنه اثنین و ثلاثین و ستمائه (۶۳۲ ق) بی مانعی و منازعی و ساده سلطنت را به وجود خود منور فرمود». ^۶ قطب الدین «بعد از چهارماه قتلغ ترکان (ترکان خاتون، همسر براق حاجب) را استنکاح فرمود». ^۷ اما سلطنت او یک سال بیشتر طول نکشید و «دور فلک کج رو نگذاشت که ملکش نوبت اول پایداری بودی [...] و بر مثال شکوفه بود که حالی سر برزند، پیر گردد». ^۸ قطب الدین به فرمان خان مغول احضار شد و تا سال ۶۵۰ ق را در ماوراءالنهر گذراند و حکم حکومت به فرمان اگتای قآن به نام رکن الدین پسر براق حاجب صادر شد. «سلطان رکن الدنیا والدین ابوالمظفر قتلغ

سلطان خواجه جوق»^۹ از سال ۶۳۳ تا سال ۶۵۰ ق بر کرمان حکم راند. سلطنت او همراه بود با دستگیری از رعایا، همراهی و همدلی با درویشان و عالمان و زاهدان و اهل علم؛ و این روش او خاطره تلخ سلطنت براق حاجب را در نزد اهالی کرمان تا حدودی التیام بخشید. سرانجام نزدیکی او با خلفای عباسی و تیرگی روابط مغولان با خلفا قتل او را در پی داشت و منجر به نوبت دوم سلطنت قطب الدین شد که کاملاً مطیع مغول بود. هرچند این دوره از حکومت او در کرمان با مشکلاتی همراه بود و اهالی کرمان شیوخ و متصوفه در مقابل او بودند، قطب الدین ضمن سرکوب مخالفان «انجام امور خیریه و بنیاد موقوفات را وجهه همت خود ساخت».^{۱۰} سلطنت قطب الدین در این دوره تا سال ۶۵۵ ق طول کشید. با مرگ قطب الدین و به دلیل صغر سن فرزندانش، هلاکوخان ترکان خاتون^{۱۱} همسر او را به جانشینی اش گماشت. به گواهی تاریخ شاهی، دوران سلطنت ترکان خاتون با خدمات فراوان به مردم کرمان همراه بود؛ از جمله تکمیل بنای مدرسه قطیبه، که بنای اصلی آن به عنوان مدرسه از زمان براق حاجب آغاز و در زمان ترکان خاتون تکمیل شد^{۱۲} و هم اکنون در کرمان به قبة سبز معروف است (ت۱)، که شرحی جداگانه می طلبد. در هر حال، «عصمت الدنیا والدین قتلغ ترکان ملکه ای بود مبارک سایه، بلندپایه، [...]، واسطه عقد و بهار ایام پادشاهی پادشاهان قراختای بود»^{۱۳} و تا سال ۶۸۱ ق به نیابت از «مظفر الدنیا والدین ابوالحارث شاه سلطان حاج» حکومت کرد. پس از او به نوبت «سلطان جلال الدنیا والدین ابوالمظفر سیورغتمش سلطان بن قطب الدین سلطان» (۶۸۱ - ۶۹۱ ق) و «صفوة الدنیا والدین پادشاه خاتون» (۶۹۱ ق)، دختر ترکان خاتون، به پادشاهی رسیدند. پادشاه خاتون تا سال ۶۹۴ ق حکومت کرد و سپس «مظفر الدنیا والدین ابوالحارث محمدشاه» به حکومت رسید.

محمدشاه در سنه ۷۰۲ ق درگذشت^{۱۴} «و چون این خبر به بندگی حضرت غازان خان رسید، قطب الدنیا والدین شاه جهان را که آنجا ملازم بود، ابا عن جد سلطانزاده کرمان یرلیغ به تقریر سلطنت کرمان بر وی نفاذ پذیرفت»؛^{۱۵} اما سلطنت وی به علت اوضاع آشفته و همچنین جوانی چندان دوام نیافت و او «به تقویم امور

ملک بر وجه حزم و تفکر قیام نتوانست نمود» و تاریخ نام او را به عنوان آخرین پادشاه قراختانی ثبت کرد (۷۰۵ق). در هر صورت، این سلسله در طول بیش از هشتصد سال آثار فراوانی از خود در کرمان بر جای گذاشته که از جمله مهم ترین آنها قرآن مورد بحث مقاله است که وقف مقبره دو تن از پادشاهان این سلسله شده است.

۲. ماجرای وقف قرآن

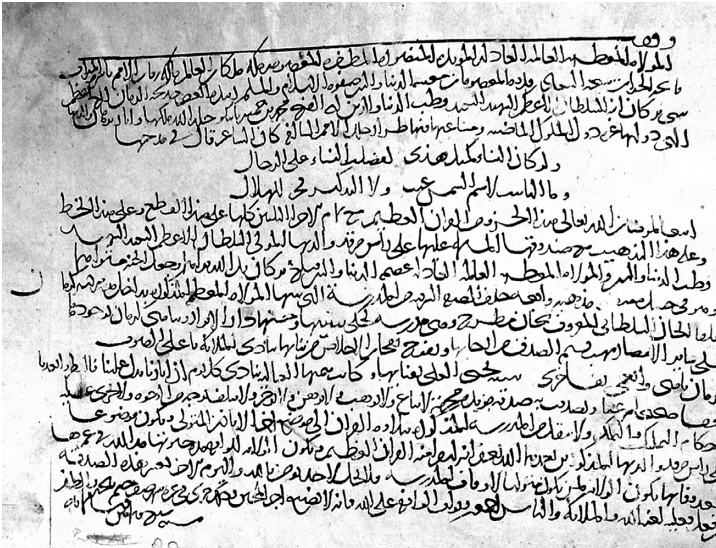
در وقف نامه‌ای که در جلد هفتم از قرآن بی بی ترکان مضبوط است (ت ۲)، قرآن را بی بی ترکان، دختر بزرگ ترکان خاتون و قطب الدین، وقف مقبره والدین خود کرد: «وقف نمود آن را بانوی سرور معظم و عالم عادل منصور و مظفر، ملکه ملکه‌های عالم، زبیده عصر، خدیجه زمان، الغ اعظم بی بی ترکان» و در ادامه وقف نامه آمده است که «وقف نمود آن را برای رضایت خدا، وقف نمود این جزء قرآن عظیم را با تمام اجزای سی گانه آن با همین قطع و اندازه و با این خط و با این گونه تذهیب به همراه صندوق آن برای بالای سر این مرقد و این در اول ماه صفر انجام شد و در سال ۶۸۷ هجری.»
متن وقف نامه را علامه محمد قزوینی خوانده و تقریر کرده است.^{۱۶}

۱-۲. صورت وقف نامه

«وقفت المولاة المعظمة العالمة العادلة المؤيدة المنصورة المظفرة المعصومه، ملکه ملکات العالم، مالکه رقاب الامم، ناشرة المبرآت، فاتحه الخیرات، نتیجة السعادات، قدوة المعصومات، مغیثة الدنیا والدین، صفوة الاسلام و المسلمین، زبیده العصر، خدیجة الزمان، الغ اعظم بی بی ترکان، ابنة السلطان الاعظم الشهيد السعيد، قطب الدنیا و الدین ابی الفتح محمد بن خمیر تاینکو، خلدالله ملکها و انار برهان والديها، التي دولتها غرة دول الملوك الماضيه و مناعتها فيها طراز جليل الامم السالفه، كأن الشاعر قال في مدحها:

ولو كان النساء كمثل هذى
لفضلت النساء على الرجال
وما التأنيت لاسم الشمس عيب
ولا التذكير فخر للهلل

ابتغاء لمرضاة الله تعالی، هذا الجزء من قرآن العظیم مع تمام الاجزاء الثلثین کلها علی هذا القطع و علی هذا الخط و

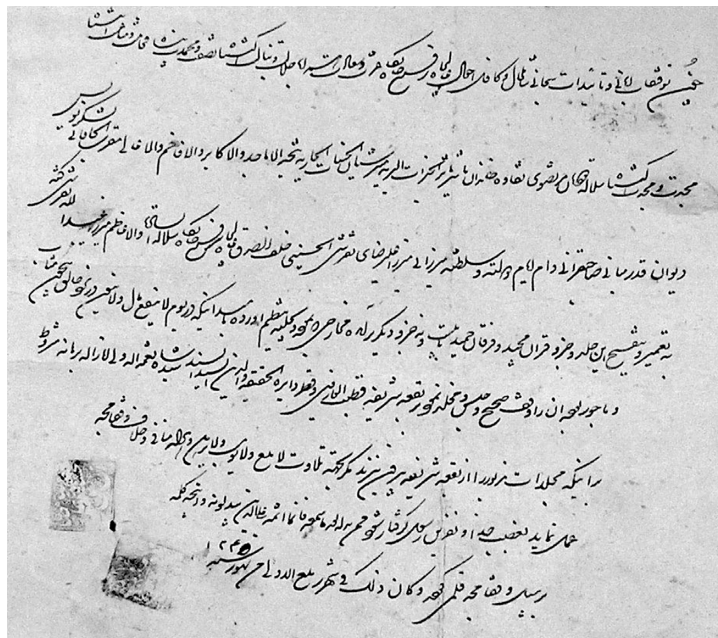
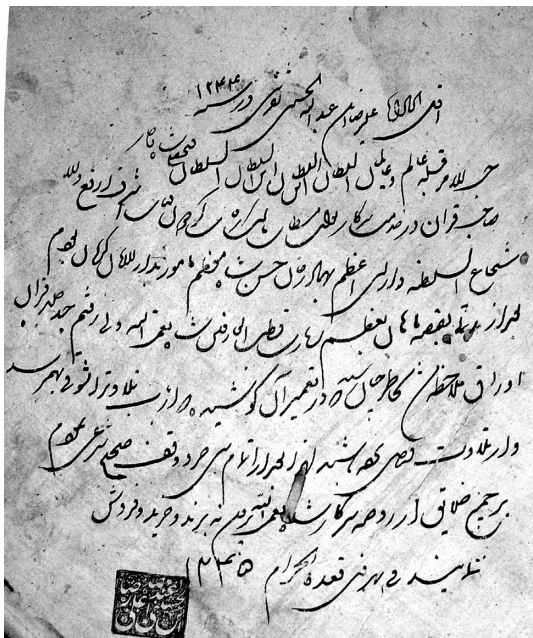


ت ۲. برگه‌ی از ربعة قراختانی

علی هذا التذهیب مع صندوقها المشتملة علیها علی رأس مرقد والديها المولى السلطان الاعظم السعيد الشهيد قطب الدنیا و الدین، و المولاة المعظمة العالمة العادلة، عصمة الدنیا و الدین قتلغ ترکان، بل الله تراهما و جعل الجنة مثوهما، و هو فی جنید معروفة مذهبة واقعة خلف الصفة الشرقية من المدرسة التي بنتها المولاة المعظمة المذكورة بداخل مدينة بردسیر کرمان تلقاء الخان السلطانی المعروف بخان مطرح، و هی مدرسة تحكى ببنيتها و حسنها دار الابرار و تباهی کرمان بوجودها علی سائر الامصار، یهب نسیم الصدق من ارجائها و تفوح نفحات الاخلاص من بنائها تنادی الملائكة بأعلى الصوت:

کرمان باهی و انعمی تفاخری
بینیه یحیی العلی بفنائها
و كانت همتها العالیة تنادی کل یوم
ان آثارنا تدل علینا
فاظفروا بعدنا الی الآثار

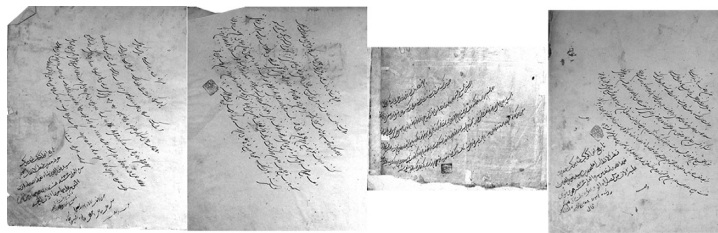
وفقاً صحیحاً شرعياً و تصدقت به صدقة مؤبده محرمة لا یباع و لا یوهب و لا یرهن و لا یؤجر و لا یتلف بوجه من الوجوه و لا یجری علیه احکام التملیک و التملک و لا ینقل من المدرسة المذكوره بتلاوة القرآن الی موضع آخر الا بأذن المتولی و یرفع موضوعاً علی رأس مرقد والديها المذكورین، تغمدهما الله بغفرانه، لیقرأ منه القرآن العظیم. و تكون الولاية للواقفة مدة حیوتها، مدللها فی عمرها، و بعد وفاتها تكون الولاية لمن یرفع متولياً للاوقاف المدرسة. فلا یجل لاحد یؤمن بالله و الیوم الآخر تغییر هذه الصدقة.



اگر زنان مانند این زن بودند
 حتماً زنان بر مردان ترجیح داده می شدند
 مؤنث بودن عیبی برای خورشید نیست
 و مذکر بودن فخری برای ماه نیست

وقف نمود برای رضایت خدا این جزء قرآن عظیم را با تمام اجزای سی گانه آن با همین قطع و اندازه و با این خط و با این گونه تذهیب به همراه صندوق آن برای بالای سر این مرقد، یعنی مرقد والدین خودش، مولانا و سلطان اعظم سعید شهید، قطب دنیا و دین، و مادرش سرور معظمه، عالمه و عادله، مظهر پاکی دنیا و دین قتلغ ترکان، که خداوند خاک آن دو را سیراب گرداند و بهشت را پناه آن دو قرار دهد. و آن در گنبد معروف قرار دارد و طلاکاری شده است و در پشت کرانه صفا شرقی مدرسه‌ای قرار دارد که این بانو آن را بنا کرده است و در داخل شهر بردسیر کرمان مقابل خان سلطانی معروف به خان مطرح. و آن مدرسه‌ای است که نوع بنایش و حسن ساختمانش حکایت از خانه نیکان دارد و کرمان به وجود آن بر دیگر شهرها فخر می‌فروشد، نسیم راستی از اطراف آن می‌وزد و بوهای خوش خلوص و پاکی از آن منتشر می‌شود و فرشتگان با صدای بلند ندا می‌دهند:

ای کرمان، مباهات کن و خوش باش و افتخار کن
 به بنایی که فقط با بودن آن بزرگی ما زنده می‌شوند
 و همت بلند و عالی آن هر روز ندا می‌دهد که

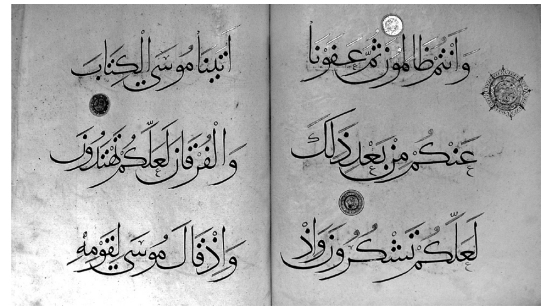


فمن فعله، فعلیه لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعين. و ثواب الواقعة على الله فانه لا يضيع اجر المحسنين و ذلك جرى في غرة شهر صفر ختم بالخير و الظفر سنة سبع و ثمانين و ستمائة» (ت ۲).

- ۳. چپ بالا)
- ۴. راست بالا)
- ۵. پایین)

۲-۲. ترجمه وقف‌نامه^{۱۷}

وقف کرده آن را بانوی سرور معظم و عالم و عادل منصور و مظفر، ملکه ملکه‌های عالم، مالک بندگان عالم، منتشرکننده نیکبها، بخشنده خوبیها، نتیجه خوش بختیها، الگوی پاکان، یاریگر دنیا و دین، برگزیده اسلام و مسلمین، زبیده عصر، خدیجه زمان، الغ اعظم بی بی ترکان دختر سلطان اعظم، شهید سعید، قطب دنیا و دین ابوالفتح محمد بن خمیر تاینگو، که خداوند ملک او را جاویدان کند، و حجت پدر و مادرش را در روز قیامت روشن و نورانی نماید؛ بانویی که دولت او چون سپیدی بر پیشانی دولتهای شاهان گذشته است و زیور امتهای گذشته است؛ همان طور که شاعر در مدح او گفته است:

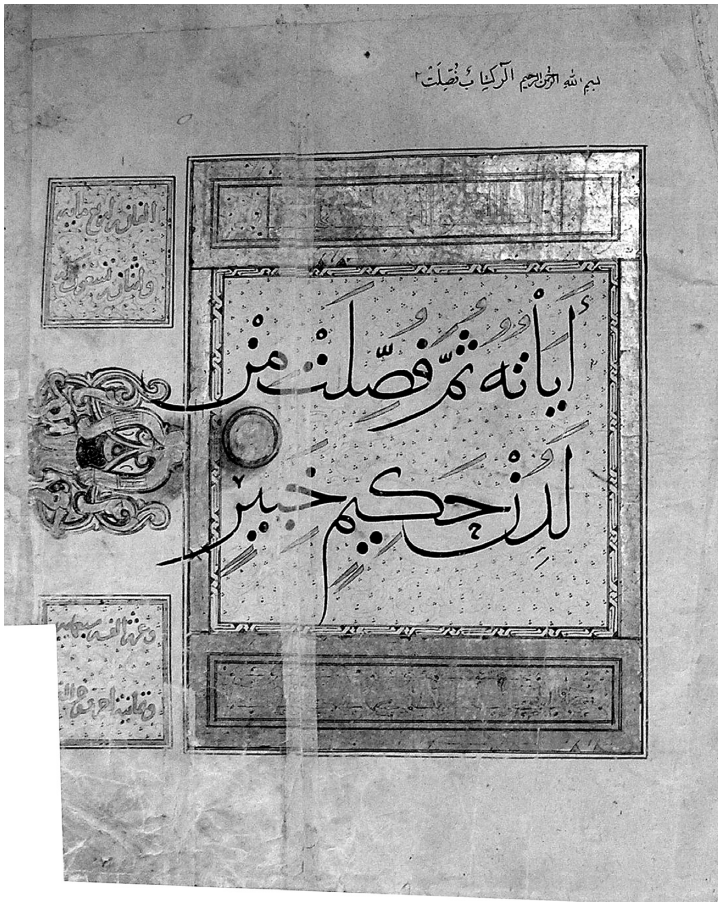


هنا آثار ما دلالت بر ما دارد. پس بعد از ما به آثار بنگرید

وقفی درست و شرعی و ابدی که نه فروخته می‌شود و نه بخشیده می‌شود و به رهن داده نمی‌شود و به اجاره هم داده نمی‌شود و به هیچ وجهی تباه نمی‌شود و احکام تملیک و تملک هم بر آن جاری نیست و از مدرسه مذکور به منظور تلاوت به جای دیگر منتقل نمی‌گردد، مگر با اجازه متولی. و بر سر قبر والدین او قرار خواهد داشت که خدای‌شان غرق رحمت سازد. و از محل همین مقبره است که قرآن باید خوانده شود. و تولیت آن تا زمان حیات به واقف تعلق دارد، که خدا عمرش را زیاد کند، و بعد از وفات وی، تولیت آن متعلق به کسی است که تولیت اوقاف مدرسه را دارد. و برای هرکس که اعتقاد به خدا و پیامبر دارد، تغییر این صدقه روا نیست و هرکس چنین کند، پس لعنت خدا و ملائکه و همه مردم بر او باد و پاداش واقف بر خداوند باد؛ چون که خداوند اجر نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. و این در اوّل ماه صفر انجام شد و در سال ۶۸۷».

خبر دیگر از نسخه مورد بررسی مربوط به سال ۱۲۴۵ق، در دوره فتح‌علی‌شاه قاجار است. ظاهراً مجلدات قرآن را که در طول زمان آسیب دیده بود، در سال ۱۲۴۵ق میرزا علی‌رضا تفرشی مرمت کرده است. در این زمان، به استناد نوشته ایشان سی جلد قرآن کامل بوده و به آستانه شاه نعمت‌الله ولی تعلق داشته است (ت ۳).

«قل السادات علی‌رضا ابن عبدالله الحسینی تفرشی در سنه ۱۲۴۴ حسب الامر قبیله عالم و عالمیان، السلطان بن السلطان فتح‌علی‌شاه قاجار، صاحب قرآن در خدمت سرکار نواب مستطاب مالک رقاب گردون اشرف ارفع والا، شجاع السلطنه دارای اعظم، بهادرخان حسن شاه

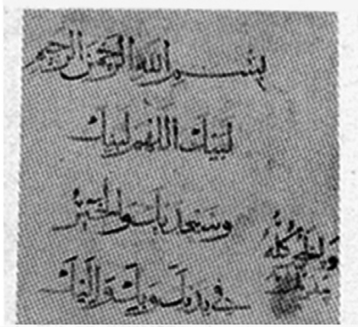


ت ۶. (راست)
ت ۷. (چپ)

معظم مأمور به دارالامان کرمان بودم. بعد از مدتی، به قصبه ماهان به عزم زیارت قطب‌العارفین شاه نعمت‌الله ولی رفتم. چند جلد قرآن اوراق ملاحظه شد. به خاطر چنان رسید که در تعمیر آن کوشیده و ارباب تلاوت را شوقی به هم رسد و از تلاوت فیض برده باشند. لهذا بعد از اتمام سی جزو وقف صحیح شرعی نمودم بر جمیع خلائق، از روضه سرکار شاه نعمت‌الله برون نبرند و خرید و فروش ننمایند. فی شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۲۴۵ مهر: (ابن عبدالله، علی‌رضا الحسینی)»

اینکه این مجلدات چگونه و چه زمانی به آستانه راه پیدا کرده روشن نیست.

میرزا علی‌رضا تفرشی در وقف‌نامه‌ای که در همه مجلدات قرآن تکرار شده و احتمالاً به خط و انشای دیگری تحریر شده است، محارج مرمت و همچنین تکمیل مجلدات ناقص را وقف آستانه می‌کند (ت ۴):

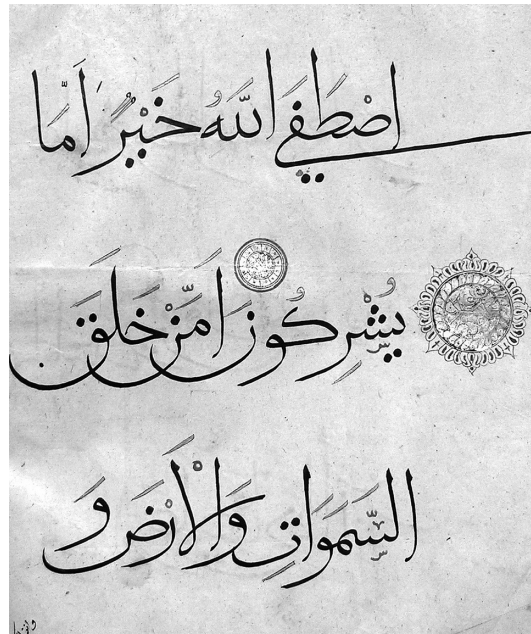


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بوده. آن را وقف صحیح و حبس و مخلد نمود بر بقعه شریفه قطب العارفين و قطر دایرة الحقیقه و الدین، السید السند، سید شاه نعمت الله، انارالله برهانه؛ مشروط بر اینکه مجلدات مزبور را از بقعه شریفه بیرون نبرند، مگر به جهت تلاوت. لایبوع ولا یوهب ولا یرهن. و هر که منافی و خلاف وقف نامچه عمل نماید، به غضب خدا و نفرین رسول گرفتار شود "فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یدلونہ." این کلمات بر سبیل وقف نامچه قلمی گردید. و کان ذلک فی شهر ربیع الاول من شهور سنة ۱۲۴۵.

۳. آشنایی با نسخه

ریعه قراختایی بر روی کاغذ مرغوب و چندلایه به رنگ روشن، احتمالاً سمرقندی، نوشته شده است. ابعاد کاغذ ۳۲/۵ × ۳۹ سانتی متر است که در بعضی از مجلدات اندکی متغیر (حداکثر ۴۲ و حداقل ۳۸ سانتی متر) است؛ به صورتی که جزوهای دوم و پنجم هر یک به ابعاد ۳۲/۵ × ۴۳ سانتی متر و قطع کاغذ ۴۲ × ۳۳ سانتی متر و جزوهای اول، سوم، چهارم، هفتم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم، چهاردهم، پانزدهم، شانزدهم، بیستم همراه با قسمتی از جزء بیست و یکم، بیست و دوم، بیست و سوم، و بیست و ششم هر یک به ابعاد ۲ × ۳۲ × ۳۸/۵ سانتی متر و قطع کاغذ ۳۱ × ۳۸ سانتی متر است. متن قرآن به خط محقق جلی است (ت ۶). سرسوره‌ها به خط کوفی محرز و بعضی از نکات آماری، مانند توضیحاتی درباره تعداد کلمه و حروف هر سوره، در حاشیه متن به خط توقیع



ت ۸ (راست)

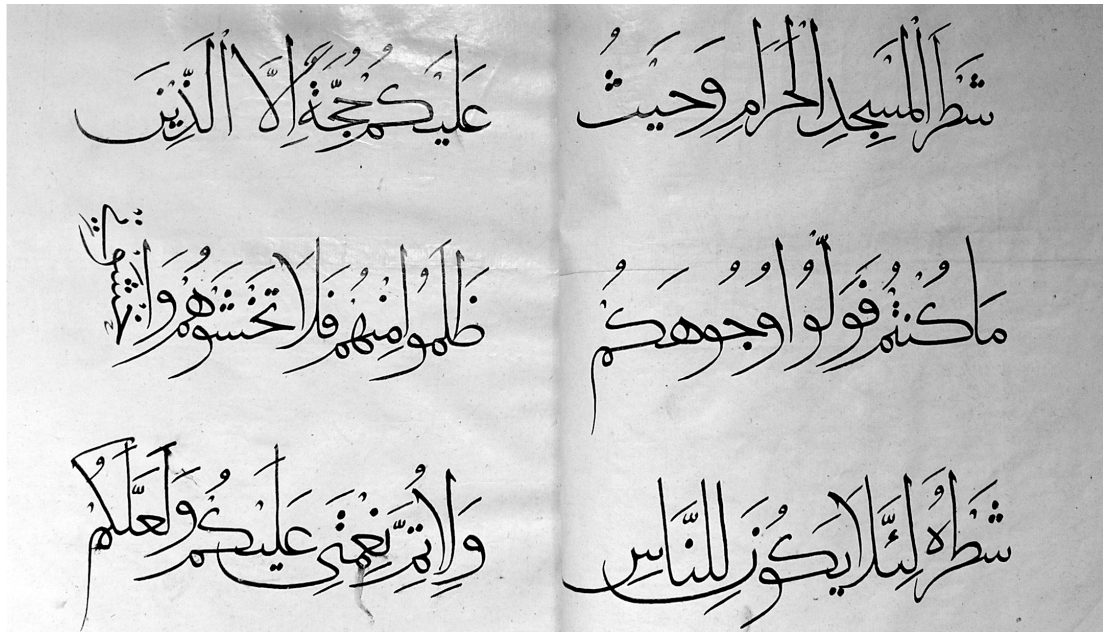
ت ۹ (چپ)

«آن را احاله به صحیح مخلد شرعی و حبس مؤید و صریح اسلامی نمودند بر بقعه شریفه قطب العارفين و قطب دایره الحقیقه و الدین السید السند شاه نعمت الله انار الله برهانه.»

متن وقف نامه میرزا علی رضا تفرشی در همه مجلدات با اندکی تفاوت تکرار شده است (ت ۵).

۲-۳- متن وقف نامه میرزا علی رضا تفرشی

«چون توفیقات ربانی و تأییدات سبحانی شامل حال و کافل احوال عالی جاه رفیع جایگاه، عزّت و سعادت همراه جلالت و بنالت اکتناه، نصف و محمّد پناه، فخامت و مناعت انتباه، محمّد و نحمدت اکتناه، سلاله دودمان مرتضوی، نقاوة خاندان مصطفوی، ناشر مآثر الخیرات البریه، سید مشتاق الحسنات الجاریه، نتیجه الاماجد والاکابر والاعاظم الافاخم والاعالی، مقرب الخاقانی، لشکر نويس دیوان قدر مبانی صاحب قرانی، دام ایام دولت سلطنته میرزایی، میرزا علی رضا تفرشی الحسینی، خلف الصدق عالی جاه رفیع جایگاه سلاله السادات والاعاظم، میرزا عبدالله تفرشی، گشته به تعمیر و تنقیح این جلد و جزو قرآن مجید و فرقان حمید با بیست و نه مجلد دیگر برآمده، مخارجی که نموده و به حلیه تنظیم آورده به امید اینکه در "یوم لاینفع مال و لابنون" در نزد خالق بی چون مثاب و مأجور



ت ۱۰.

نوشته شده است. تعداد سطرها در بیشتر صفحات ۳ سطر جلی است که به طور متوسط در هر صفحه ۱۰ تا ۱۵ کلمه اصلی را در بر می‌گیرد؛ اما در بعضی از صفحات که همراه با تزئین و جدول‌کشی است، تعداد سطرها به دو سطر کاهش می‌یابد (ت ۷).

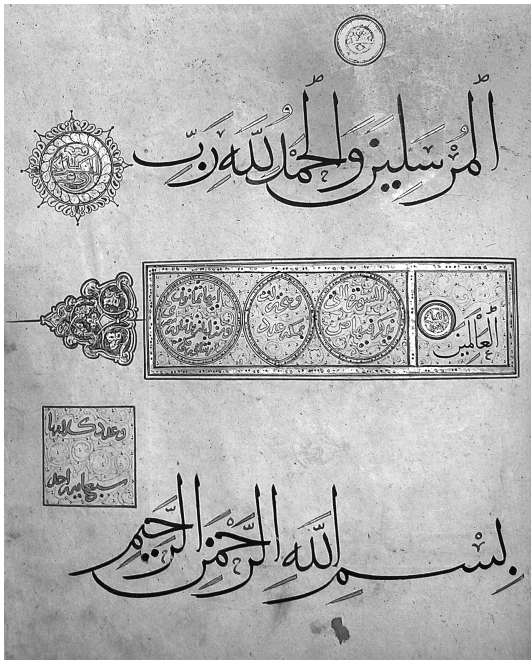
۱-۳. درباره خط نسخه

چنان که آمد، خط متن محقق است. محقق از خطوطی است که تقریباً از قرن ششم تا دهم هجری برای نوشتن قرآنهای بزرگ کاربرد فراوان داشته است. خطی است با صلابت و شکوه. مختصات حروف در این خط در نسبت با دیگر اقلام سته^{۱۸} بزرگ‌ترین اندازه‌ها را دارد و تنوع اشکال حروف به حداقل می‌رسد، تا جایی که تقریباً اکثر حروف شکل واحد دارند.^{۱۹} این ویژگی خود کمک می‌کند به خواندن آسان متن. شاید به علت مجموع این ویژگیها باشد که نام با مسمای محقق، یعنی درست، کامل و تحقیق شده، را بر آن نهاده‌اند.

«اولین قرآن با خط محقق به سال ۵۵۵ ق در ایران کتابت شد»^{۲۰} و بزرگ‌ترین قرآن هم به خط محقق جلی در قرن نهم هجری (قرآن بایسنقری) در اندازه ۱۰۱×۱۷۷ سانتی‌متر کتابت شده است.^{۲۱} زیباترین قرآن‌ها به خط محقق مربوط به اواخر قرن هفتم و قرن هشتم است. قرن هفتم هجری مقارن است با حیات یاقوت مستعصمی، از

بزرگ‌ترین خوشنویسان تاریخ. او در تکمیل اقلام سته نقش اساسی داشت. از زمان او و شاگردانش، خط محقق با نظام هندسی و استحکام توأم با ملاحظت خاصی نوشته شد. احمد بن سهروردی و ارغون کاملی از همعصران او، صاحب زیباترین آثار قرآنی به خط محقق‌اند. یاقوت مستعصمی در سال وقف قرآن (۶۸۷ ق) حیات داشته است؛ اما خط این نسخه متأثر از شیوه او نیست و احتمالاً پیش از آن نوشته شده است؛ یا کاتب از حوزه نفوذ شیوه او خارج بوده است. خط متن در بعضی از مجلدات بسیار با استحکام نگاشته شده؛ اما خطی است باز و تا حدی در نسبت‌های حروف و کلمات اغراق شده است. و احتمالاً در زمان نگارش اصلی دو کاتب داشته است (ت ۸). البته شیوه خط با شیوه ابن بواب شباهت دارد و حتی نقطه‌گذاری قرآن هم مشابه نقطه‌گذاری ابن بواب است (ت ۹). در هر صورت، شیوه‌ای خاص از محقق است که شاید با آثار مشابه در قرن هشتم برابری نکند، اما در بعضی از صفحات شاهکاری یگانه است. صفحات افتاده در مرمت میرزا علی‌رضا تفرشی کامل شده؛ اما خط صفحات الحاقی بسیار ضعیف‌تر از متن اصلی است و ذکری از خطاط آنها نشده است (ت ۱۰).

در هیچ‌یک از مجلدات نامی از کاتب اصلی برده نشده؛ و با توجه به اینکه در میان قراختاییان خوشنویسان بزرگی بوده‌اند، اینکه قرآن به خط یکی از قراختاییان باشد



ایران است. در مجموع، می‌توان گفت که نسخه‌ای ایرانی است.

۲-۳. تزیینات

سرسوره‌های قرآن مذهب و مرصع است. بعضی از صفحات نخستین سوره‌ها دارای قاب مذهب و مرصع، مرکب از نقوش اسلیمی، هندسی، گره‌دار، و جدول‌کشهای بسیار زیباست که نام سوره و تعداد آیات به خط کوفی و در زمینه‌ای طلاپی با دورگیری مشکی در آن آمده است. نقوش زنجیری این صفحات مشابه گره‌بندی مفتولی مرسوم در اروپاست (ت ۱۱).

بعضی دیگر از سوره‌ها در قاب مستطیل از عرض، که با جدول و همچنین نقطه‌های منفرد رنگی و تزیینات نقطه‌چینی بین سطور تزیین شده‌اند، معرفی می‌شود.

اطلاعات مربوط به نام سوره، عدد آیات و ... به خط توقیع و در تقسیمات دایره‌ای و یا بیضی‌شکل نوشته شده است (ت ۱۲). بعضی دیگر از سوره‌ها نیز در مستطیل عرضی و با کادر تزیینی مذهب و نقوش هندسی، با خط کوفی محرر ایرانی، با زمینه کاغذ متن و دورگیری مشکی معرفی می‌شود. در سمت راست این مستطیلها، نقشی تزیینی به رنگ لاجوردی و طلاپی و در جهت عطف کتاب قرار گرفته است (ت ۱۳). در

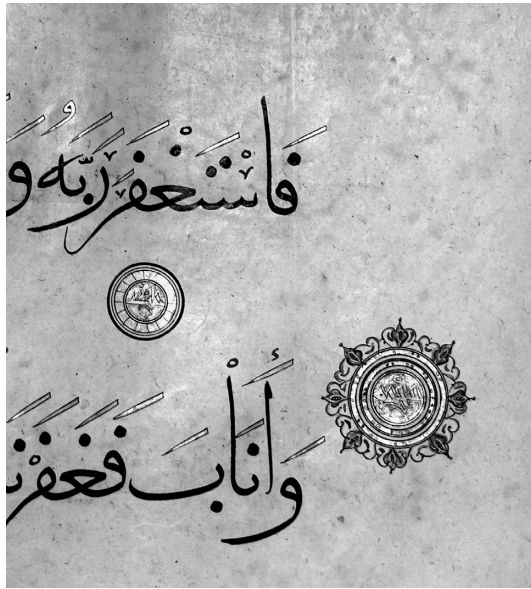
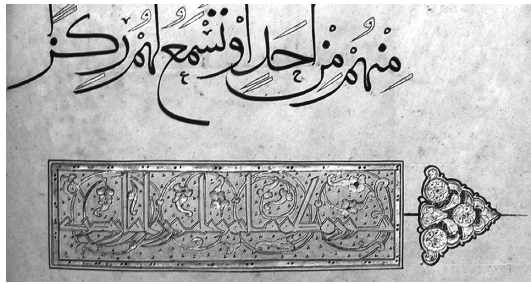


ت ۱۱. (راست)

ت ۱۲. (چپ)

مسجل نیست. اگرچه پادشاه خاتون خود خوشنویس بوده و «مصاحف و کتب که به خط مبارکش در کرمان و دیگر ولایات موجود...»^{۲۲} بوده است و «در فن خط نسخ ناسخ خط «ابن مقله»، مصاحف متعدده به جهت سلطان احمدخان بن هلاکوخان و ارغون خان اباقان نوشته»^{۲۳} احتمالاً کاتب این مصحف نبوده؛ زیرا شهرت او در خط نسخ است؛ و همچنین بعید است با توجه به اینکه او هم خود دختر ترکان خاتون بوده، قرآن به خط او را خواهرش وقف کرده باشد.

از سوی دیگر، نوع تزیینات و نفاست نسخه حاکی از آن است که نسخه باید در جایی نزدیک به حوزه نفوذ آناتولی تهیه شده باشد؛ چنان‌که در فهرست آثار مجموعۀ خلیلی، یکی از مجلدات همین قرآن نسخه‌ای از شمال غربی ایران معرفی می‌شود.^{۲۴} البته نباید از نظر دور داشت که تزیینات و مخصوصاً خط کوفی عناوین سوره‌ها متأثر از نقوش دوره سلجوقی و همچنین کوفی محرر^{۲۵} مرسوم در



ت ۱۳. (چپ بالا)

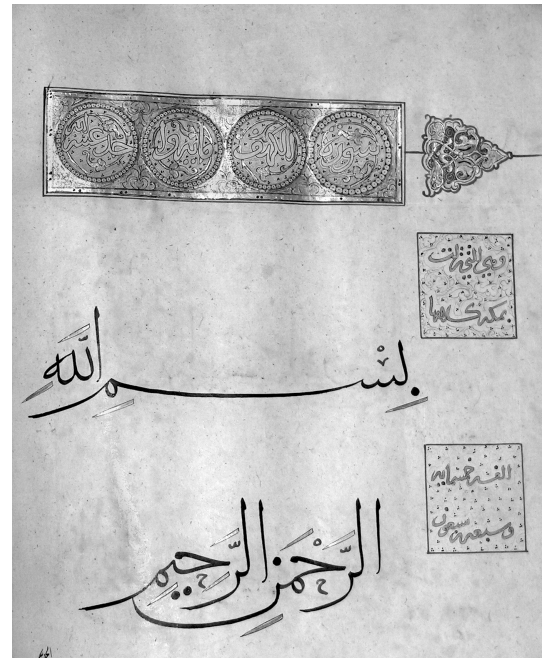
ت ۱۴. (راست)

ت ۱۵. (چپ پایین)

علاوه بر صفحات آغازین، صفحات متعددی از میان سوره‌ها نیز تزئین شده است. این صفحات معمولاً با تزئین مفصل، قابی مذهب و مرصع و حتی پرمایه‌تر از بعضی از سر سوره‌هاست. اکثر این صفحات از نظر خط بسیار ممتاز است و شاید انتخاب آنها هم به همین دلیل باشد. ترکیب سطرها در بعضی از این صفحات متفاوت با شیوه معمول متن است. احتمالاً خوشنویس با عنایت به معانی آیات این‌گونه صفحات متمایز از متن را نوشته است (ت ۱۶).

۳-۳- جلد و صحافی نسخه

صحافی همه مجلدات کتاب در سال ۱۲۴۵ق به همت میرزا علی‌رضا تفرشی تجدید شده است. با توجه به نوع نقش و جنس چرم جلد، احتمالاً در مرمت بعضی از مجلدات از بقایای جلد اصلی هم استفاده شده است. نوع جلد چرمی است و نقش بیشتر جلدهای ترمیم‌شده ترنج همراه با دو کلاله است، حاشیه اطراف جلد بعضی از مجلدات که



بیشتر صفحات نخستین سوره‌ها، اطلاعات آماری مفصل مربوط به تعداد کلمات، حروف، آیات، سوره‌های مکی یا مدنی و یا اطلاعاتی مربوط به اختلاف در عدد آیات در حاشیه سمت راست و چپ صفحه در قاب مستطیلی درج شده است. قاب این مستطیلها به رنگ مشکی و سرمه‌ای و متن آنها با حرکات اسلیمی مانند و تزیینات نقطه‌چین به رنگ طلایی و مشکی تزیین شده است. اطلاعات مزبور به خط توقیع (نزدیک به تعلیق) و با طلا و دورگیری مشکی نوشته شده است (ت ۱۴).

از دیگر موارد تزیینی این مصحف شریف می‌توان به علایم قرآنی خاصی اشاره کرد که در سرتاسر متن برای مشخص کردن محل وقف، سجده، پایان آیات، تخمیس (هر پنج آیه)، تعشیر (هر ده آیه) و جزء و... به صورت شمشه و یا زینتهای گلابی‌شکل به کار رفته است. معمولاً رقم این علایم را به خط کوفی نوشته‌اند. تزیینات غالب در این شمشه‌ها نقوش هندسی و اسلیمی است (ت ۱۵). همچنین اعراب‌گذاری متن به رنگ طلایی و دورگیری مشکی است و برخی از نشانه‌های ثانوی مانند تشدید، همزه، علامت سکون، و علایم مؤکد بر صداها به رنگ لاجورد نوشته شده است. اعرابها با قلم مشکی دورگیری شده است.



ت ۱۶

چستریبیتی در دابلین تعلق دارد،^{۲۸} است باید تردید کرد، زیرا جزء چهارم از مجلدات مفقود نیست و هم‌اکنون در موزه آستانه موجود است. □

کتاب‌نامه

افروند، قدیر. گلچینی از قرآن‌های خطی موزه دوران اسلامی، تهران، موزه ملی ایران، ۱۳۷۵.

باستانی باریزی، محمدابراهیم. «مدرسه ترکان سلجوقی و ترکان ختایی در کرمان»، در: مجموعه مقالات کرمان در قلمرو تحقیقات ایرانی، به کوشش محمدرسول دریاگشت، کرمان، مرکز کرمان‌شناسی، ۱۳۷۰.

جیمز، دیوید، کارهای استادانه (قرآن‌نویسی تا قرن هشتم ق)، جلد دوم از مجموعه هنر اسلامی گردآوری دکتر ناصر خلیلی، ترجمه پیام بهتاش، تهران، کارنگ، ۱۳۸۰.

خیراندیش، عبدالرسول. «اوقاف قراختایان کرمان»، در: مجله میراث جاویدان، سال هشتم، ش ۳۱، ۲۵-۳۱، (۱۳۷۹).

رضایی، عبدالعظیم. نتیجه تاریخ ایران، تهران، اطلس، ۱۳۷۸، ج ۱۱. سمسار، محمدحسن. کاخ گلستان، گزینه‌ای از شاهکارهای نگارگری و خوشنویسی، تهران، زرین و سیمین، ۱۳۷۹.

عکاشه، ثروت. نگارگری اسلامی، ترجمه غلام‌رضا تهامی، تهران، حوزه هنری، ۱۳۸۰.

فضائلی، حبیب‌الله. اطلس خط، تحقیق در خطوط اسلامی، اصفهان، مشعل، ۱۳۶۲.

فکر، محمدآصف. خط کوفی، تهران، کیان کتاب، ۱۳۷۷.

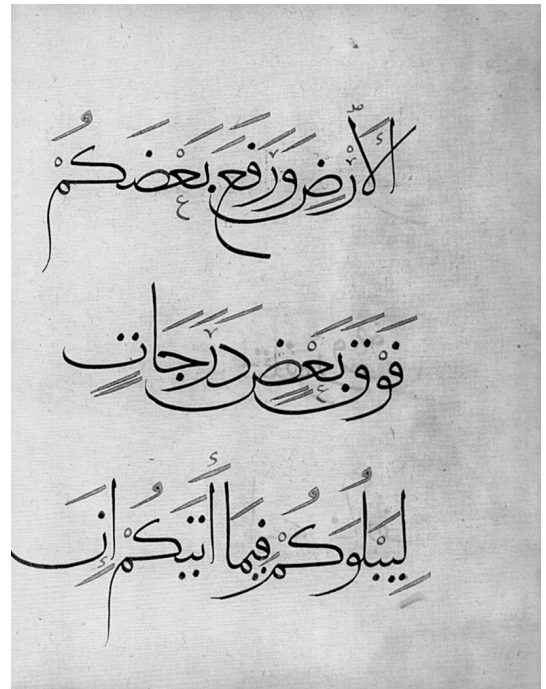


ت ۱۷

به رنگ قهوه‌ای تیره است، احتمالاً قدیم‌تر است. نقش جلد عبارت است از شمسه با حاشیه‌ای پهن در اطراف با نقوش هندسی (ت ۱۷).

۴- مجلدات دیگر ربه

از سی جزء ربه، هم‌اکنون هجده مجلد آن در آستانه شاه نعمت‌الله مضبوط است، و باقی مجلدات مفقود. اما در ردیابی مجلدات مفقود که بر اساس اظهارات آقای مجدزاده صهبا پیش از سال ۱۳۲۰ مفقود شده است،^{۲۶} دریافتیم که جزء هشتم از قرآن هم‌اکنون متعلق به مجموعه ناصر خلیلی^{۲۷} است. (ت ۱۸، ۱۹، ۲۰) مجلدات دیگری هم از کتاب در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود. اما در مورد جزء چهارم از قرآن، که گفته‌اند به کتابخانه



مجدزاده صهبا، جواد. «سی پاره قدیمی»، در: یادگار، سال ۱، ش ۹، ص ۲۸-۴۵.

مستوفی، حمدالله. تاریخ گزیده، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.

ناشناس. تاریخ شاهمی، تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.

منشی کرمانی، ناصرالدین. سبط العلی للحضرة العلیا در تاریخ قراختایان کرمان، تصحیح عباس اقبال، تحت نظر محمد قزوینی، تهران، اساطیر، ۱۳۶۲.

وزیری کرمانی، احمدعلی خان. تاریخ کرمان (سالاریه)، به کوشش ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۲.

وزیری کرمانی، احمدعلی خان. جغرافیای کرمان، به کوشش ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۲.

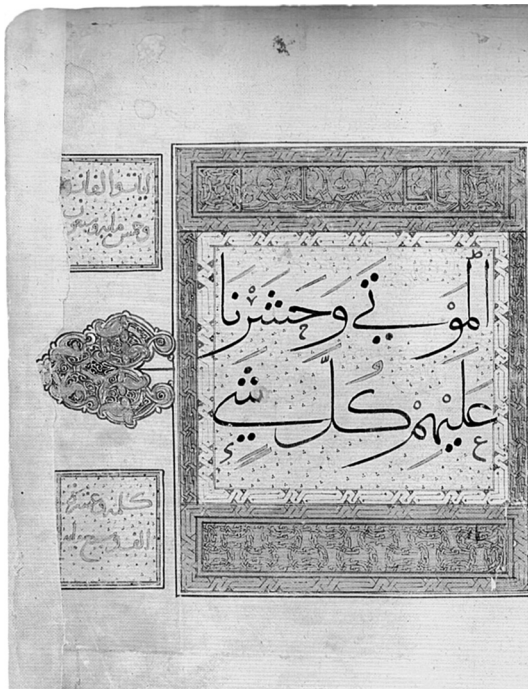
یار شاطر، احسان، خوشنویسی، از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا، ترجمه و ویرایش پیمان متین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.

پی نوشتها

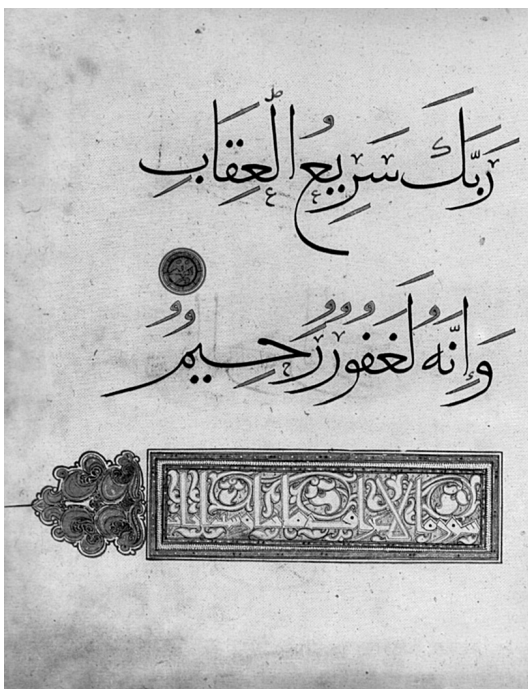
1. a.hasheminejad@mail.uk.ac.ir

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

۲. ربهه به نسخه‌هایی از کتابت قرآن مجید گفته می‌شود که هر جزء قرآن در یک جلد نوشته شود. این اصطلاح از زمانی به کار رفت که در غرب دنیای اسلام نوشتن قرآنهای چهارجلدی مرسوم شد. این قرآنهای چهارجلدی به ربهه معروف بود و به اعتبار نام‌گذاری قرآنهای چهارجلدی به ربهه، قرآنهای سی‌جلدی و یا به اعتبار نام‌گذاری قرآنهای چهارجلدی به ربهه، قرآنهای سی‌جلدی و یا شصت‌جلدی را هم ربهه نامیدند. ربعات الجایتو از معروف‌ترین این‌گونه قرآن‌هاست. نک: عکاشه، نگارگری اسلامی، ص ۳۶۰.



ت ۱۸ و ۱۹ و ۲۰



۳. میرزا علی‌رضا در سنه ۱۲۴۳ق به کرمان آمد و در دستگاه مرحوم شجاع‌السلطنه حکمران راه یافت، در سال ۱۲۴۶ق شغل سررشته‌داری کرمان به او موکول شد و به سفارش قائم مقام مورد حمایت میرزا حسین وزیر بود. او در حکومت فضل‌علی خان میرزای محمدعلی خان پسر او بود و به استیصال روزگار می‌گذرانید. میرزا علی‌رضا در اواخر عمر به عاملی جیرفت رفت و در سال ۱۲۶۳ وفات یافت. نک: وزیری کرمانی، تاریخ کرمان، ص ۷۵.

۴. رضایی، نتیجه تاریخ ایران، ص ۳۲۳.
۵. منشی کرمانی، *سمط العلی للحضرة العلیا در تاریخ قراختایان کرمان*، ص ۲۶.
۶. همان، ص ۲۶.
۷. همان، ص ۲۶.
۸. همان، ص ۲۷.
۹. همان، ص ۲۸.
۱۰. خیراندیش، *میراث جاویدان*، ص ۲۶.
۱۱. در تاریخ گزیده دوران سلطنت ترکان خاتون در ذیل نام سلطان حجاج (مستوفی، ص ۵۳۱) شرح و توصیف شده است. مستوفی در فصل دهم از باب چهارم در ذکر سلاطین قراختای کرمان می نویسد که: «نه تن مدت ملکشان از سنه احدی و عشرين و ستمایه تا سنه ست و سبعمایه، هشتادوشش سال» (مستوفی، ص ۵۲۸). اما از هشت نفر به عنوان سلاطین یاد می کند: (۱) براق حاجب، (۲) رکن الدین مبارک خواجه، (۳) سلطان قطب الدین، (۴) سلطان حجاج، (۵) سلطان جلال الدین، (۶) پادشاه خاتون، (۷) سلطان مظفر الدین، (۸) سلطان قطب الدین شاه جهان.
۱۲. باستانی پاریزی، «مدرسه ترکان سلجوقی و ترکان ختایی در کرمان»، ص ۵۸.
۱۳. منشی کرمانی، *سمط العلی للحضرة العلیا در تاریخ قراختایان کرمان*، ص ۳۷.
۱۴. وزیری کرمانی، *تاریخ کرمان (سالاریه)*، ص ۳۶۹.
۱۵. منشی کرمانی، *سمط العلی للحضرة العلیا در تاریخ قراختایان کرمان*، ص ۹۵.
۱۶. مجدزاده صهباء، «سی پاره قدیمی»، ص ۳۰.
۱۷. وقف نامه مزبور را آقای دکتر ناصر محسنی نیا، از استادان بخش ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ترجمه کرده اند، که البته این ترجمه به همت پی گیری آقای ضیایی، از مؤسسان انجمن قبه سبز و از استادان دانشگاه شهید باهنر، به دست آمده است. همچنین ایشان مشوق اصلی حقیر در تحریر مقاله حاضر بوده اند.
۱۸. اقلام سته یا خطوط ششگانه عبارت است از: ثلث، نسخ، محقق، ریحان، توفیق، و رفاع، که از زمان ابن مقله بیضاوی (۲۷۲-۳۲۸ ق) به وجود آمد و به دست ابن بواب (متوفای ۴۱۳ ق) و همچنین، یاقوت مستعصمی (متوفای ۶۹۶ ق) تکامل یافت. این ۶ خط «سته یاقوتی» و «خطوط اصول» هم نامیده می شود.
۱۹. یارشاطر، *خوشنویسی*، ص ۴۵.
۲۰. جیمز، *کارهای استادانه (قرآن نویسی تا قرن هشتم ق)*، ج ۲، ص ۱۶.
۲۱. سمسار، *کاخ گلستان*، ص ۲۶.
۲۲. منشی کرمانی، همان، ص ۷۰.
۲۳. وزیری کرمانی، همان، ص ۳۶۱.
۲۴. جیمز، همان، ج ۲، ص ۳۴.
۲۵. فکرت، *خط کوفی*، ص ۵۹.
۲۶. مجدزاده صهباء، همان، ص ۲۹.
۲۷. ناصر خلیلی، مجموعه دار ایرانی (و. ۱۳۲۵ ش) مقیم انگلیس و صاحب یکی از بزرگ ترین و جامع ترین مجموعه ها از دست نوشته های قرآنی است. او همچنین مجموعه ای بی نظیر از اشیا و آثار هنر اسلامی گرد آورده است. دکتر خلیلی در دانشگاه لندن صاحب کرسی هنر و باستان شناسی اسلامی و در دانشگاه آکسفورد عضو هیئت تحقیق هنر اسلامی است.
۲۸. جیمز، همان، ج ۲، ص ۳۴.